

فارسی کرمان

گفتار یازدهم- جمله بندی

- ۱-۱۱ در گفتار هشتم از نشاخت کنش (جای فعل در جمله) سخن رفته است و در اینجا به جمله بندی و نشاخت جمله‌ها (جای جمله‌ها در گفتار) می‌پردازیم .
- جمله‌ای را که با دیگر جمله‌ها پیوند نداشته باشد تنها نامیم :
- /pâye sedâ mide/* «پایه صدا می‌دهد» (ابر می‌غرد) .
- جمله‌های تنها اگر با یکدیگر پیوند یابند، آزاد خوانده می‌شوند :
- /mi bâre golestan miše/* «می‌بارد، گلستان میشود» .
- اینگونه پیوند را که بی‌میانجی کلمه‌ای صورت می‌گیرد کناری گوئیم و اگر پیوند بامیانجی صورت گیرد آن را ردیفی خوانیم :
- /mi xor ou mi'ore/* «می‌خورد و می‌غرد» .
- گاهی میانجی بر سر هر یک از جمله‌ها درمی‌آید :
- /nâ mide nâ mistune/* «نهمی دهد و نهمی ستاند» ،
- /ham xodâ re mîxâ ham xormâ re/* «هم خدا را می‌خواهد و هم خرما را»
- ۲-۱۱ برخی جمله‌ها پیرو جمله‌ای دیگرند یعنی لختی از آن جمله‌اند و تنها به کار نمی‌روند: */megar urke negozâreneš agar nâ miforušeteš/* «مگر آنکه نگذارندش اگر نه می‌فروشدش» .
- جمله بنیادی را که جمله پیرو به آن وابسته است جمله پایه گویند . از

پیوستگی جمله پایه و جمله‌های پیرو جمله بزرگی ساخته می‌شود، هر جمله بزرگی يك جمله پایه و يك یا چند جمله پیرو را در بر می‌گیرد.

۱۱-۳ جمله پیرو بردو گونه است یا پیرو کاره جمله بنیادی است و یا پیرو کردار آن^۱. جمله پیرو کاره گاهی جایگزین کاره می‌شود و در این صورت بهتر است که آن را جمله کاره بنامیم:

/nemitunam âsu'tere/ «نمی‌توانم آسانتر است». اینگونه جمله‌ها پیش از جمله پایه درمی‌آیند گاهی جمله پیرو جایگزین یکی از وابسته‌های کاره می‌شود یعنی یا جایگزین صفت برای کاره است:

/rejab ke gušâš nemišnove râhat tere/ «رجب که گوشه‌هایش نمی‌شود راحتتر است».

اینگونه جمله‌ها گاهی پس از جمله پایه درمی‌آیند:

/rejab râhat tere ke gušâš nemišnove/ «رجب راحتتر است که گوشه‌هایش نمی‌شود».

/mâhmud ke piškâre dârâ'iyè b'zorgtere/ «محمود که پیشکار دارائی است بزرگتر است».

اینگونه جمله‌ها نیز گاهی پس از جمله پایه درمی‌آیند:

/mâhmud b'zorgtere ke piškâre dârâ'iyè/ «محمود بزرگتر است که پیشکار دارائی است».

/kâseyi ke mâle hamsâyâ ye byâr/ «کاسه‌ای که مال همسایه‌هاست

بیاور».

۱- در هر جمله دو جزء بنیادی هست، یکی کاره است که جمله را برای آن می‌سازند و دیگری کردار است که کاری یا حالتی از کاره را می‌رساند. کاره یا نام است یا جان‌شینی از نام. و کردار فعل است یا جان‌شینی از آن.

اینگونه جمله‌ها کمتر جابجا می‌شوند و اگر به صورت :

/kâseyi re byâr ke mâle hamsâyâye/ « کاسه‌ای را بیاور که مال

همسایه‌هاست » در آید گوینده خواسته است که بر روی جمله آخر تکیه کند .

۱۱-۴ جمله پیرو گاهی جایگزین وابسته کردار می‌شود یعنی یا جایگزین

مفعول :

/goftam nedârim/ « گفتم نداریم » که وارونه آن کمتر به کار می‌رود :

/nedârim goftam/ « نداریم گفتم ». یا جایگزین بدل مفعول :

/šokrollâ re ke berâdere a`dereš bâše mifereste/ « شکرالله را

که برادر ناتنیش است می‌فرستد ». اگر اینگونه جمله‌ها پس از جمله پایه در آیند

نمودار این است که گوینده فراموش کرده است که به جای خود جمله‌ها به کار برد و

پس از گزارش جمله پایه با افزودن جمله پیرو آن را کامل کرده است :

/šokrollâ re mifereste ke berâdere a`dereš bâše/ « شکرالله را

می‌فرستد که برادر ناتنیش است ». یا جایگزین صفت مفعول :

/un tefangi ke qondâ nedâš vardâš/ « آن تفنگی را که قنداق

نداشت برداشت » که پس از جمله پایه نیز درمی‌آید :

/un tefangi re vardâš ke qondâ nedaš/ « آن تفنگی را برداشت

که قنداق نداشت » یا جانشین پیوست (مضاف الیه) مفعول :

/xəri ke mâls reyre yēbar sevâreš mišau/ « خری که مال غیر

است یک‌دور سوارش می‌شوند ». اینگونه جمله‌ها همیشه پس از مفعول گفته می‌شوند.

یا جانشین مسند مفعول :

/mibinemet ke be nune šâb môtâji/ « می‌بینمت که به نان شب

محتاجی » (محتاج خواهی شد). اینگونه جمله‌ها به دنبال مفعول می‌آیند .

یا جانشین قید :

/nun ke mi xori harf mazan/ « نان که (بادهان پر) می خوری حرف

مزن »، که گاهی پس از جمله پایه می آید :

/harf mazan nun ke mixori/ « حرف مزن نان که می خوری » .

یا جانشین وابسته قید :

/ruzi ke bârun umad yâram lebe bun umad/ « روزی که بارون

اومد یارم لب بون اومد » و وارونه آن کمتر به کار می رود .

یا جانشین بدل قید :

/šambe ke arba'ine var mi garde/ « شنبه که ار بعین است بر میگردد »

و وارونه آن کمتر بکار می رود .

یا جانشین متمم :

/kâr xode t̂ebemiri d̂eros nemiše/ « کار باتو بمیری درست نمیشود »،

که می توان آن را پیش از جمله پایه یا پس از آن آورد :

/xode t̂ebemiri kâr d̂eros nemiše/ « باتو بمیری کار درست نمی شود »، یا :

/kâr d̂eros nemiše xode t̂ebemiri/ « کار درست نمی شود باتو بمیری » .

یا جانشین صفت متمم :

/raf tu otâqi ke saxm ne dâš/ « رفت توی اتاقی که سقف نداشت » که

پس از جمله پایه نیز می آید :

/tu otâqi raf ke saxm nedâš/ « توی اتاقی رفت که سقف نداشت » .

یا جانشین پیوست (مضاف الیه) متمم :

/xode gouike mâle šerikeše mirune/ « با گاوی که مال شریکش

است می راند » (... شخم می کند) .

۵-۱۱ جمله شرطی که در گفتار هشتم (۸-۸) این یادداشتها به آن پرداخته ایم

نیز از جمله های پیرو است :

/age [agar] omri bâše kam kam xub miše/ «اگر عمری باشد کم کم

خوب می شود» که می توان آن را به صورت :

/kam kam xub miše age omri bâše/ «کم کم خوب می شود اگر

عمری باشد» یا به صورت :

/kam kam age omri bâše xub miše/ «کم کم ، اگر عمری باشد

خوب می شود»، در آورد .

۱۱-۶ جمله یادآور (معترض) را می توان در جمله پیرو یا پس از آن و یا پیش

از آن بکار برد .

/Ali âġâ ke xodâ omreše be kuâ peyvas kone vâtelab nekerd/

«علی آقا، که خدا عمرش را به کوهها پیوست کند مطالبه نکرد» :

/Ali âġâ vâ telab ne kerd ke xodâ omreše be kuâ peyvas kone/

«علی آقا مطالبه نکرد که خدا عمرش را به کوهها پیوست کند» :

/xodâ omreše be kuâ peyvas kone vâtelab ne kerd/ «خدا عمرش

را به کوهها پیوست کند مطالبه نکرد» .

جمله های پیرو دیگری را نیز با بررسی ژرفتری می توان بر شمرد و ما آنچه

را که شناختش ساده تر و لازمتر بود در این گفتار باز نمودیم .

گفتگوی درباره جمله ها را از دیدگاه پیامی که در بر دارند یا از دیدگاه

چگونگی پیوندی که میان کاره و کردار است به دستور زبان فارسی وا میگذاریم

زیرا چنانکه از این بررسی نیز بدست آمد در سرشت دستوری جمله های گوناگون اختلاف

بسیاری میان زبان مادر و کرمانی به گوش نمی خورد .

واژه‌های تازه این بخش

توضیح	انگلیسی	فرانسوی	واژه
مستقل	Independent	Independante	آزاد (جمله -) ۱
مركب	Compound	Composée	بزرگ (جمله -) ۱
اصلی - ناقص	Principal	Principale	پایه (جمله -) ۲
فرعی - تابع - مکمل	Subordinate	Subordonnée	پیرو (جمله -) ۲
حالات اضافه	Genitive	Génitif	« پیوست » (حالت -)
کامل	Complete	Complète	« تنها » (جمله -)
مصغر	Diminutive	Diminutif	« خرد » (نام -)
تصغیر	Diminution		« خرد ساخت »
مهمل	Reduplication	Redoublement	« ردیف »
پیوند لفظی	Coordination		« ردیفی » (پیوند -)
مبتدا	Subject	Sujet	« کاره »
خبیر	Predicate	Prédicat	« کردار »
مکبر	Augmentative	Augmentatif	« کلان » (نام -)
تکبیر	Augmantation		« کلان ساخت »
پیوند معنوی	Juxtaposition		« کناری » (پیوند -)
اسم صوت	Onomatopy	Onomatopée	نام آوا ۳
اسم خاص	Proper	Propre	ویژه (نام -) ۳
جمله معترض	Incidental	Intercaléé	« یاد آور » (جمله -)

«مانده دارد»

- ۱ - جمله آزاد و جمله بزرگ برای نخستین بار در دستور دکتر خیامپور به کار رفته است.
 - ۲ - جمله پایه و جمله پیرو از دستور سال دوم دبیرستانها تألیف دکتر خانلری است.
 - ۳ - این واژه را دستور نویسان به همین معنی به کار برده اند.
- یادداشت - واژه‌های میان « بازگو » پیشنهاد نویسنده است.